

بررسی الگوی زن غربی و تأثیر آن بر محیط زیست ایران در رمان «داستان یک شهر» احمد محمود با نگاهی به گفتمان قدرت

چکیده

سیاست‌گذاری‌های دوره پهلوی اول با تأثیرپذیری از گفتمان‌های مختلفی شکل گرفت که یکی از آنها قانون کشف حجاب بود که با ایجاد نابسامانی تأثیرات نامطلوبی را بر محیط زیست طبیعی، مصنوعی و اجتماعی ایران بر جای گذاشت که نمود آن در رمان «داستان یک شهر» احمد محمود بررسی خواهد شد. از این رو با روش توصیفی-تحلیلی با نگاهی به جامعه و طبیعت، اعمال الگوی زن غربی در ایران و تأثیر آن بر محیط زیست طبیعی و انسانی بررسی خواهد شد تا به این سؤالات پاسخ داده شود که پیامدهای قدرتی که در تضاد با ساختار جامعه است، چگونه بر تمام سطوح آن تأثیر می‌گذارد؟ و در کل مواجهه مردم بندر لنگه با فرآیند بهنجارسازی شده در فرهنگ غربی یعنی کشف حجاب که در آن زنان به سوژه‌هایی تبدیل شده‌اند که بر سایر ارکان محیط زیست تأثیرگذار است، چگونه است؟ که نتایج حاکی از آن است که اعمال فرآیند بهنجارسازی شده فرهنگ غربی چون در تقابل با فرهنگ سنتی ایرانی-اسلامی بود، مقاومت‌هایی را در افراد جامعه شکل داد و تأثیرات نامطلوبی بر محیط زیست طبیعی، اجتماعی و مصنوعی ایران بر جای گذاشت. تأثیری که نمود آن را در دگرگونی بهره‌برداری از دریا: تجارت نکردن تاجران معتبر و حضور ماهیگیران غیربومی و پاره کردن تور ماهیگیران بومی و پر کردن سردخانه‌هایشان از ماهی، آلودگی تصویری: تغییر نمای بازار، فساد زنان و مردان، مهاجرت افراد، تأثیر گذاشتن بر تجارت با دنیا و روی آوردن به قاچاق می‌بینیم. چنین تأثیراتی از یک جهت نشان از نقش حیاتی دریا در زندگی ساکنان بندر لنگه دارد و از طرف دیگر نشان می‌دهد که اهالی بندر لنگه فاعل‌های معناپذیر و موضوع اطاعت‌پذیر قدرت نیستند.

کلیدواژگان: الگوی زن غربی، محیط زیست، گفتمان قدرت، داستان یک شهر، احمد محمود.

سیاست‌های کلان پهلوی اول به طور مشخص بر سه گروه عمده جامعه ایران اعمال گردید: روحانیون و علما، ایلات و عشایر و زنان. تبدیل زنان به «موضوع سیاست‌گذاری‌های دوره رضاخان تحت تأثیر نظریه نژادی و گفتمان "ملت‌گرایی باستان‌گرا" بوده است. گفتمانی که اصلاح طبیعت ایرانیان را اصلاح نژادی آنان می‌داند.» (رک کچویان، زائری، ۱۳۹۰: ۳۸-۷) رضاشاه پس از دیدار با مصطفی کمال از ترکیه در سال ۱۳۱۳ و تصمیمی که وی برای وضعیت زنان گرفته بود، برای ترفیع موقعیت زنان بدون توجه به جامعه سنتی ایرانی-اسلامی اقدام به کشف حجاب از زنان کرد. اقدامی که «پس از سال ۱۳۱۴ مقامات عالی‌رتبه با خطر برکناری روبه‌رو بودند، مگر آن‌که زنان خود را بدون حجاب به جشن‌های اداری می‌بردند و کارمندان رده پائینی مثل رفتگرها جریمه می‌شدند، مگر آن‌که زنان آن‌ها بی‌حجاب از خیابان‌های اصلی رژه می‌رفتند.» (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۱۳۲) چنین سیاست‌گذاری‌هایی برای کشف حجاب از طریق حکومت و نخبگان ملت‌گرا اعمال شد که تأثیرات نامطلوبی بر محیط زیست طبیعی، مصنوعی و اجتماعی ایران بر جای گذاشت که ما نمود آن را در رمان «داستان یک شهر» احمد محمود به وضوح می‌بینیم. «داستان یک شهر» رمان سیاسی‌ای است که نمایی از زندگی مردمان یکی از بنادر جنوب در استان هرمزگان در دهه سی و چهل را به تصویر می‌کشد. این رمان علاوه بر سرگذشت خالد دانشجوی سابق دانشکده افسری که به دنبال کودتای ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ همراه با گروهی دیگر از مبارزان سیاسی که به بندر لنگه در جنوب کشور تبعید شده‌اند، سرگذشت علی، شریفه و اهالی بندر لنگه را همراه با خصوصیات آب‌وهوایی، طبیعت، عقاید و باورداشت‌های آنان، اسامی مکان‌ها، غذاها، القاب، مشاغل، مهاجرت، فقر، اعتیاد، ظلم و بی‌عدالتی، استعمارستیزی و ... به تصویر می‌کشد. بندری که با کشف حجاب دچار نابسامانی شده و مردمان آن مهاجرت کرده‌اند و مغازه‌هایی که تاجران معتبر در آن به تجارت می‌پرداخته‌اند به خرابه‌هایی در کنار دریا تبدیل شده است.

لوکاچ می‌گوید: «هنر از دیدگاه هستی‌شناختی عبارت است از بازآفرینی فرآیندی که انسان از رهگذر آن تمام زندگی خود را در جامعه و طبیعت همراه با همه مسائل و همه اصول خوشایند و ناخوشایندی در نظر می‌گیرد که این زندگی را تعیین می‌کنند و به آن مربوط می‌شوند.» (پوینده، ۱۳۷۷: ۴۱۰) از این رو ما با نگاهی به جامعه و طبیعت به بررسی اعمال الگوی زن غربی در ایران و تأثیر آن بر بهره‌برداری از محیط زیست در رمان «داستان یک شهر» بر اساس گفتمان قدرت خواهیم پرداخت تا به این سؤالات پاسخ دهیم که پیامدهای قدرتی که در تضاد با ساختار جامعه است، چگونه بر تمام سطوح آن تأثیر می‌گذارد؟ و مواجهه مردم بندر لنگه با فرآیند بهنجارسازی شده در فرهنگ غربی یعنی کشف حجاب که در آن زنان به سوژه‌هایی تبدیل

شده‌اند که بر سایر ارکان محیط زیست تأثیرگذار است، چگونه است؟ در کل پیکره یک جامعه را ارتباط متقابل ساخت‌های آن که هر یک بر دیگری تأثیر می‌گذارد و تأثیر می‌پذیرد، شکل می‌دهد. ما با بررسی روابط قدرت در جامعه داستانی رمان «داستان یک شهر» به آگاهی از چنین تأثیرپذیری‌ای پی می‌بریم.

۲. پیشینه پژوهش

تا به حال پژوهش مستقلی درباره تحلیل رابطه کشف حجاب و محیط زیست بر اساس گفتمان قدرت در رمان «داستان یک شهر» احمد محمود انجام نشده است؛ اما مقالاتی به طور جداگانه درباره گفتمان قدرت، کشف حجاب و محیط زیست انجام شده که جا دارد در این جا از آن‌ها نام ببریم:

* کریستوفر مانس در مقاله «طبیعت و سکوت» (۱۹۹۵) با استفاده از نظریه‌های میشل فوکو به این مقوله می‌پردازد که چگونه علوم مسیحیان باعث سکوت طبیعت در گفتمان غربی شده است. وی ادعا می‌کند که طبیعت از یک حضور آنیمیستی به یک حضور نمادین و از یک موضوع قابل احترام به یک شیء بی صدا تغییر یافته است.

* کشاورز شکری و همکاران در مقاله «بازنمایی هویت دینی در رمان‌های پس از انقلاب اسلامی؛ مطالعه موردی: رمان داستان یک شهر اثر احمد محمود» (۱۳۹۴) بر اساس عناصر داستانی مانند روایت، شخصیت‌سازی، صحنه‌پردازی و دیالوگ که به روش تحلیل گفتمان انجام گرفته هویت دینی را در رمان «داستان یک شهر» در دو بعد اعتقادی و شعاعی بررسی کرده‌اند. بعد اعتقادی آن بررسی شخصیت رمان در زندان و بعد شعاعی در دوره تبعید در بندر لنگه است.

* مرادعلی شایسته‌فرد نیز در پایان‌نامه «گفتمان قدرت در رمان همسایه‌ها، داستان یک شهر و درخت انجیر معابد از احمد محمود بر اساس نظریه میشل فوکو» (۱۳۹۵) نشان داده که مبارزات ملی شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نقش قانون، ارتش، پلیس، دستگاه‌های قضایی، زندان و سرکوب و مجازات مردم در رمان همسایه‌ها و داستان یک شهر بسیار آشکار است و در رمان درخت انجیر معابد نقش دستگاه‌های دولتی، اجتماعی، طبقات مردم، باورها و خرافه‌ها بسیار پررنگ است.

* حیدری و جعفری کاردگر در مقاله «بومی‌گرایی رئالیستی در اقلیم جنوب: مطالعه مورد پژوهانه رمان داستان یک شهر احمد محمود» (۱۴۰۱) برآنند تا ضمن معرفی مباحث کاربردی در حوزه واقع‌گرایی، چگونگی بازتاب مؤلفه‌های رئالیسم بومی در اقلیم جنوب را در رمان مذکور در دو حوزه ساختار (فرم) و محتوا مورد کاوش و تحلیل قرار دهند.

تفاوت پژوهش حاضر با مقالات و پایان‌نامه مطرح شده در این است که پژوهش مورد نظر ما به بررسی پیوند جامعه و طبیعت از منظر گفتمان قدرت پرداخته تا تأثیر کنش‌های گفتمانی را در اعمال قدرت بر تمام سطوح جامعه نشان دهد؛ در صورتی که در پژوهش‌های انجام شده به بررسی رابطه قدرت میان جامعه و طبیعت پرداخته نشده است.

۳. نگاهی به گفتمان قدرت

گفتمان‌ها روابط چندگانه قدرت را که «بدن اجتماعی را در می‌نوردد و آن را ترسیم و تأسیس می‌کند.» (فوکو، ۱۳۹۰: ب: ۶۴) شکل می‌دهد. از نظر فوکو قدرت در همه روابط انسانی قابل مشاهده است. «قدرت همه جا هست، نه به این معنا که قدرت همه را دربرمی‌گیرد، بلکه به این معنا که قدرت از همه جا می‌آید.» (فوکو، ۱۳۹۰: الف: ۱۰۸) قدرتی که «پیکره اجتماعی را تأسیس و در رگ و ریشه آن نفوذ می‌کند.» (بری، ۱۳۸۵: ۱۰۳) و سوژه و ابژه را شکل می‌دهد. (بهیان، ۱۳۸۹: ۱۵) از نظر فوکو «هر رابطه‌ای چه با خود چه با دیگری نه تنها واجد قدرت است؛ بلکه از طریق بدن سوژه اعمال می‌شود. از نظر او بدن در معرض نظارت سراسربین است و به همین سبب محمل قدرت است.» (فوکو، ۱۳۸۷: ب: ۳۷۹) در واقع در نظر فوکو «تکنولوژی‌های قدرت با ابزارها و بردارهای خاص بدن سوژه‌ها را شکل می‌دهند.» (فوکو، ۱۳۹۲: ۴۳) از این روست که فوکو می‌گوید: «اگر می‌خواهیم پیکربندی بدن سوژه توسط قدرت و ابژه شدن وی را بر اثر مصلحت دولتی در عصر جدید درک کنیم، باید تکنولوژی سیاسی جامعه را واکاوی کنیم.» (ر.ک فوکو، ۱۳۹۲: ۳۴۳-۳۶۲) در کل درک مفهوم قدرت در اندیشه فوکو مستلزم درک مفهوم گفتمان است که در عصر تجدد باعث غیاب انسان گردیده است. در واقع «در آن جایی که اکنون انسان را می‌یابیم، آنچه وجود دارد، نه انسان، بلکه قدرت خاص گفتمان و نظم لفظی می‌باشد.» (کچویان، ۱۳۸۲: ۱۶۰) در عصر تجدد این قدرت خاص گفتمان است که در کنش‌های ذهنی افراد و شکل‌گیری رفتارهای خاصی در آنان نمود می‌یابد و باعث ایجاد مقاومت‌هایی در آنان می‌گردد. همانطور که فوکو می‌گوید: «آن‌جا که قدرت هست، مقاومت هم در کار است.» (میلز، ۱۳۹۸: ۷۰) بنابراین روابط قدرت به تأثیرپذیری از گفتمان‌ها بافت جامعه را شکل می‌دهد و از طریق کاربرد ابزارهای عقلانی شده سعی در بهنجار ساختن افراد می‌کند.

از آن‌جا که اوضاع زمانه تأثیر بسیار چشمگیری بر زبان و محتوای یک اثر دارد، می‌توان گفت که گفتمان‌ها در تولید متن ادبی تأثیر بسزایی دارند. از این روست که گفته می‌شود «متن در هر شرایطی در بستری از گفتمان جریان دارد.» (مدرسی، ۱۳۹۰: ۴۰۳) بنابراین متن کنشی اجتماعی است که در ارائه خود، به یک

گفتمان تبدیل می‌شود و با دیگر عناصر جامعه، یعنی قدرت، ایدئولوژی، تاریخ و سیاست مرتبط است. «انتخاب شکل‌های زبان همواره تحت تأثیر عوامل زمینه‌ای مانند بافت برون‌متنی، گفتمان غالب، تاریخ، جامعه، دانش‌های زمینه‌ای نویسنده و شاعر و عوامل بی‌شمار دیگری است که همگی تحت تأثیر روابط پیچیده‌ی قدرت و حوزه تأثیر ایدئولوژی‌ها هستند.» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۲) رابطه متون ادبی ما با محیط زیست نیز که در دوره‌های مختلف نمودهای متفاوتی دارد، به تأثیرپذیری از گفتمان‌های همان عصر است. مثلاً گفتمان کشف حجاب که نوعی «تکنولوژی فردیت‌ساز قدرت» یعنی «تکنولوژی‌ای که افراد را تا بدن‌ها و رفتارهایشان هدف گرفته است و نوعی کالبدشناسی سیاسی» (فوکو، ۱۳۸۹: ۱۹۰) محسوب می‌شد، در رمان «داستان یک شهر» زنان را هدف قرار داده است، چیزی که فوکو آن را «آستانه مدرنیته زیست‌شناختی» می‌نامد؛ یعنی «یک جامعه در همان نقطه‌ای قرار دارد که در آن گونه و فرد در مقام یک بدن زنده صرف محل نزاع استراتژی‌های سیاسی آن جامعه می‌شوند.» (فرهادپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۳) این نوع آستانه مدرنیته زیست‌شناختی در نوع ارتباط اهالی بندر لنگه با محیط اطرافشان تأثیرگذار بوده و باعث مهاجرت تاجران از این بندر شده و کساد بازار و کسب و کار را رقم زده است؛ زیرا افراد این بندر شکل به اصطلاح بهنجار این الگوی غربی را که در راستای تغییر بسترهای فرهنگی در قالب برنامه‌ها و اهداف توسعه بوده و توسط حکومت اعمال می‌شده، تاب نمی‌آوردند. از این روست که بررسی پیامدهای قدرت و «تکنولوژی نفس» یک جامعه یعنی تکنولوژی‌ای که «به ما اجازه می‌دهد برای رسیدن به شادی، پاکی، خرد، کمال یا جاودانگی به دست خویشتن خود یا دیگری اعمالی خاص روی بدن، روح، افکار، رفتار و نحوه‌ی بودن خود انجام دهیم» (فوکو، ۱۳۶۶: ۱۸) ضرور می‌نماید که ما در زیر به طور تفصیلی به آن خواهیم پرداخت:

۴. اعمال الگوی زن غربی در ایران و تأثیر آن بر بهره‌برداری از محیط زیست در رمان «داستان یک

شهر» با نگاهی به گفتمان قدرت

کشف حجاب با این‌که در سال ۱۳۱۴ رخ داد؛ اما تبعات آن تا دهه‌های بعد نیز نمودار است که رمان «داستان یک شهر» احمد محمود نمونه گویایی از این مورد است. البته لازمه بررسی تأثیرات نامطلوب کشف حجاب، آشنایی با موقعیت زنان در تاریخ ایران و جهان، آسیب‌های اجتماعی و روانشناختی زنان، زنان و سیاست، زنان و توسعه و زنان و محیط زیست و در کل نوعی بررسی تاریخی با توجه به ریشه‌های تاریخی پدیده‌های مربوط به زنان و فرآیندهای مرتبط با آنان است. فرآیندهایی که با روندهای پیچیده و گاه متضاد خود باعث ایجاد تغییراتی در محیط زیست شده‌اند. یکی از مهم‌ترین تفسیرها از بررسی تاریخی، در آراء میشل فوکو

بیان شده است. در اندیشه فوکو «تبارشناسی روشی برای تحلیل اجتماعی- تاریخی تأثیر گفتمان قدرت است.» (آپلروث، دسفور، ۱۳۸۶: ۶۴۳) تبارشناسی «سر و کارش بیشتر با نحوه عملکرد قدرت و توصیف تاریخ اکنون است.» (میلز، ۱۳۹۸: ۴۸) در واقع هدف فوکو «پرداختن تاریخی از شیوه‌های گوناگونی بوده است که به موجب آن‌ها انسان‌ها به سوژه‌هایی تبدیل شده‌اند.» (دریفوس، رابینو، ۱۳۷۹: ۳۴۳) در این پژوهش سعی می‌شود تأثیرات مواجهه مردم بندر لنگه با فرآیند بهنجارسازی شده در فرهنگ غربی یعنی کشف حجاب که در آن زنان به سوژه‌هایی تبدیل شده‌اند که بر سایر ارکان محیط زیست نیز تأثیرگذار است، تبیین گردد تا نشان داده شود که چگونه اعمال فرآیند بهنجارسازی شده فرهنگ غربی تأثیر نامطلوبی بر محیط زیست طبیعی، اجتماعی و مصنوعی ایران می‌گذارد.

رمان «داستان یک شهر» زندگی مردم بندر لنگه را که با کشف حجاب به گفته نویسنده از زبان دو نفر از شخصیت‌های داستان چول شده (نابسامان شده) و یک مسیر قهقراپی را می‌پیماید که مردمانش به دلیل کشف حجاب مهاجرت کرده‌اند و مردان و زنانش دچار فساد شده و به عرق‌خوری و کشیدن تریاک روی آورده‌اند، به تصویر می‌کشد. عده‌ای از مردمان بندر لنگه که مهاجرت کردند، نشان دادند که از «الگوی غربی کشف حجاب» ناراضی هستند و شکل به اصطلاح بهنجار این الگوی غربی را که توسط حکومت اعمال شده، تاب نمی‌آوردند. در واقع گفتمان غالب بر بندر لنگه بر اساس نوعی فلسفه دینی، رعایت حجاب را امری شرعی و ضروری قلمداد می‌کرده که در مقابل گفتمان حاکم بر اندیشه حکومت رضاخان که کشف حجاب بود و برگرفته از الگوی زن غربی، قرار می‌گیرد. در رمان «داستان یک شهر» احمد محمود دیده می‌شود که نابسامان شدن بندر لنگه در همه وقایع این داستان تکرار می‌شود. از عرق‌خوری مردم عادی تا پاسگاه و فساد زنان و مردان و مرگ شریفه به دست علی و ... که در زیر نمونه‌ای ذکر خواهد شد:

«علی می‌رود و بطری عرقش را می‌آورد. گروهبان سگوند می‌گویند:

-ئی روزا بدجوری عرق خور شده!

با علی است. می‌گوید:

-حتی گاهی خودم به جاش نگهبانی میدم. جرئت نمی‌کنم بهش تفنگ بدم. به هیچ صراطی مستقیم نیس.

آخه عرق خوردنم حدی داره!

علی می‌آید و می‌نشیند لب تخت رئیس پاسگاه و استکان را پر می‌کند عرق. رئیس پاسگاه نیم‌خیز می‌کند و

استکان را از دست علی می‌گیرد و تو چاله گلو خالی می‌کند و می‌گوید:

-آره... عرق خوردنم حدی داره! (محمود، ۱۳۸۲: ۴۰۱)

در واقع احمد محمود در بسیاری از بخش‌های رمان «داستان یک شهر» با تکرار بسیار این موارد فساد، رقت‌بار بودن و ملال‌انگیزی زندگی مردم بندر لنگه را نشان می‌دهد:

«همه می‌دونستن که شریفه ج.. بود؛ اما ببینم یه مرد تو تموم این شهر پیدا شد که دستشو بگیره و از خاک بلندش کنه؟» (همان: ۲۸۸)

تکراری که در آن با این که زمان جریان دارد و داستان بیان می‌شود؛ اما مثل این است که در جای خود مادام می‌چرخد و این چرخه تکرار می‌شود. چرخه‌ای که تصویر مردمانی را که در گرداب گیر کرده‌اند و راه برون‌رفتی ندارند، برای خواننده تداعی می‌کند. در رمان «داستان یک شهر» مهاجرت عده‌ای از مردمان این بندر با کشف حجاب نشان از مقاومت آنان در برابر اعمال الگوی زن غربی توسط حکومت دارد. حکومتی که می‌خواسته اهالی این بندر را از طریق کاربرد ابزارهای عقلانی شده یعنی گذر از سنت به مدرنیته و پیشرفت زنان در زمینه‌ی «الگوی زن غربی» که ما با خواندن تاریخ این دوره به آن پی می‌بریم، بهنجار سازد. در واقع بررسی نمونه‌هایی که «نشان می‌دهند که چگونه فرهنگ سعی دارد، افراد را از طریق کاربرد ابزارهای عقلانی شده بهنجار سازد و آن‌ها را به فاعل‌های معناپذیر و موضوعات اطاعت‌پذیر تبدیل کند. همین خود نشان می‌دهد که چگونه مطالعه‌ی انسان‌ها به عنوان سوژه و ابژه تا بدین پایه در فرهنگ اهمیت یافته» (دریفوس، رابینو، ۱۳۷۹: ۵۹)؛ اما از آنجا که رضاخان تنها به ظواهر مدرنیسم توجه داشت که در تقابل با فرهنگ سنتی ایرانی - اسلامی جامعه و اعمال آن نیز با زور بود، مقاومت‌هایی را در افراد شکل داد که در مهاجرت افراد از این بندر نمود یافت. افرادی که نشان دادند فاعل‌های معناپذیر و موضوع اطاعت‌پذیر این فرهنگ نیستند. تفاوت مردمانی از بندر لنگه در رمان «داستان یک شهر» احمد محمود که بعد از کشف حجاب در این بندر نماندند با مردمان دیگر در این است که آنان تعریف به اصطلاح بهنجارسازی شده توسط قدرت‌ها را نپذیرفته‌اند که این خود نشان از آن دارد که بهنجار و نابهنجار را ساختارهای قدرت تعریف می‌کند. همانطور که در کتاب فراسوی ساختارگرایی نیز مطرح می‌شود، بهنجارسازی «قالب‌ریزی و شکل‌دهی جامعه در یک شکل بهنجار است که در مقابل شکل‌های نابهنجار قرار می‌گیرد. فرآیندی است که در آن یک فرهنگ، جامعه را تشویق می‌کند و وامی‌دارد تا خود را بر اساس قوانین تثبیت شده، میزان کند و هماهنگی خود را با این قوانین حفظ کند.» (شاوور، ۱۳۸۴: ۵) بنابراین مهاجرت عده‌ای از مردمان بندر لنگه در رمان «داستان یک شهر» احمد محمود را می‌توان نوعی مقاومت در برابر پذیرفتن شکل بهنجار «الگوی زن غربی» که از سوی ساختارهای قدرت تعریف می‌شده، دانست. ممکن است یک امر برای ساختار قدرتی بهنجار تلقی شود و برای ساختار قدرتی دیگر نابهنجار. مثلاً زن بی‌حجاب در بعضی جوامع غربی امر نابهنجاری تلقی نمی‌شود؛ اما در صورتی که ممکن است برای بعضی از مردمان و جوامع دیگر امری نابهنجار تلقی شود

که یکی از خصوصیات اعمال چنین امر بهنجاری برای بعضی جوامع در جوامع دیگر باعث مقاومت در برابر آن می‌شود. البته در اندیشه‌ی فوکو مبارزه علیه سوژه منقادسازی، سلطه و استثمار به هم ربط دارند: «آشکار است که نمی‌توان سازوکارهای سوژه منقادسازی را بدون در نظر گرفتن مناسبت‌شان با سازوکارهای استثمار و سلطه مطالعه کرد.» (فوکو، ۱۳۸۹: ۴۱۵) به عنوان مثال تعدادی از مردم بندر لنگه کوشیدند به انقیاد از سوژه منقادسازی شده یعنی کشف حجاب تن ندهند و مهاجرت کنند که این خود نشان از نوعی مبارزه علیه استثمار و سلطه است. اما نکته اساسی بر اساس اندیشه فوکو این است که «به جای بررسی سرچشمه‌های قدرت باید به پیامدهای آن توجه کرد.» (فوکو، ۱۳۸۷ الف: ۱۶۷) از این‌روست که ما باید بررسی کنیم اعمال قدرت در جامعه چه پیامدهایی بر محیط زیست طبیعی، مصنوعی و اجتماعی بر جای می‌گذارد؛ یعنی اعمال الگوی زن غربی در رمان «داستان یک شهر» احمد محمود که جامعه ما را در این پژوهش تشکیل می‌دهد، چه پیامدهایی بر محیط زیست طبیعی و بالطبع آن محیط مصنوعی و اجتماعی داشته است که در زیر به آن خواهیم پرداخت:

۱-۴. پیامدهای کشف حجاب و تأثیر آن بر بهره‌برداری از محیط زیست

مردمان بندر لنگه که در رمان «داستان یک شهر» احمد محمود به تصویر کشیده شده‌اند، مردمانی هستند که در ارتباط نزدیک با طبیعت اطراف خود هستند. مردمانی که دریا را می‌شناسند:

«-لال محمد امشو میریم صید؟»

لال محمد هوا را بو می‌کشد، شرق را نگاه می‌کند، ماسه‌های ساحل را چنگ می‌زند و به دست نرمه‌بادی که رو دریا جاری است، می‌سپارد و سر تکان می‌دهد.

-میریم... هوا خاهر(خاور) میشه.» (محمود، ۱۳۸۲: ۹۷)

مردمانی که برای سیراب کردن نخلستان‌های خود از صبح تا شب از چاه آب می‌کشند:

«صدای چرخ چاه بلند می‌شود. مرد خورشیدکلاه بیست و چار ساعت تو نخلستان جان‌کردی می‌کند. باید تمام نخلستان را با آب چاه سیراب کند.» (همان: ۲۱۱)

نخلستانی که در کاهش گرما تأثیر بسزایی می‌تواند داشته باشد:

«سایه نخل‌ها زمین را رنگ زده است و بفهمی نفهمی زهر خورشید را گرفته است.» (همان: ۱۱۹)

مردمان بندر لنگه از ترسناک بودن آب‌وهوای بندر باخبرند:

«بادهای بندر جنون دارند. در آغاز آرام هستند. بعد کم‌کم جان می‌گیرند و یکهو دیوانه می‌شوند و زنجیر پاره می‌کنند و دریا را از جا می‌کنند و فریاد می‌کشند و سر به دیوارها می‌کوبند که اگر باران همراهشان باشد، ترسناک می‌شوند.» (همان: ۲۴۱)

بندری که از خصوصیات بارز آن آب‌وهوای گرم:

«خورشید بالای دریا مثل جهنم می‌سوزد.» (همان: ۱۰۹)

خشک بودن زمین:

«زمین مثل کبریت خشک شده است.» (همان: ۲۵۸)

و طوفانی شدن دریاست:

«حالا باد غوغا می‌کند. موج‌ها هر لحظه بزرگتر می‌شوند. پشت سر هم می‌آیند و موج‌شکن را می‌کوبند.» (همان: ۱۶۹)

بندری کوچک که با دو قهوه‌خانه، دو نانواپی، سی‌وهفت مغازه که یازده‌تای آن‌ها ماهی‌فروشی است، توصیف می‌شود:

«دوتا قهوه‌خانه داره یک از یک فزرتی‌تر. دوتا نانواپی داره و سی‌وهفتم مغازه که از روزنامه‌فروشی گرفته تا عرق‌فروشی و کفش‌فروشی همه روهم میشن سی‌وهفتا که تازه یازده‌تاشم ماهی‌فروشیه.» (همان: ۲۲۸)

با توجه به مثال‌های بالا پی می‌بریم که مردمان بندر لنگه در ارتباط نزدیک با طبیعت زندگی می‌کنند و دارای هویتی اکولوژیکی هستند که در شکل‌گیری تعاملات، کنش‌ها و رفتارهای آنان نقش مهمی دارد. این هویت اکولوژیکی در اثر اعمال گفتمان کشف حجاب به دلیل عدم توجه به مقوله‌ی سازگاری و پایداری افراد و محیط دچار آسیب‌هایی شده و نابسامانی‌هایی را در افراد و محیط اطرافشان رقم زده است. زیست‌بوم طبیعی

خصوصاً دریا نقشی پررنگ در زندگی ساکنین این بندر دارد که یازده تا ماهی‌فروشی آن را به وضوح نشان می‌دهد. بنابراین «جامعه که خود بخشی از طبیعت است، پیوندی جدایی‌ناپذیر با طبیعت دارد.» (چسنکو، ۲۵۳۶: ۱۴) پیوندی که در جامعه‌ی مورد پژوهش ما به دلیل گفتمان کشف حجاب که توسط حکومت اعمال می‌شده، تحت تأثیر قرار گرفته است و باعث مقاومت‌هایی در افراد این بندر گردیده است. از این رو مقاومت در برابر گفتمان رفتارهای خاصی را در افراد این بندر شکل داده که بر محیط زیست انسانی و طبیعی تأثیراتی برجای گذاشته است؛ زیرا محیط زیست و انسان رابطه‌ای دوسویه با هم دارند؛ یعنی انسان هم بر محیط زیست تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد. طبیعت و محیط زیست نیز چنین است هم بر انسان تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد که گفتمان‌های هر عصر در نوع این رابطه تأثیر بسزایی دارند. در رمان «داستان یک شهر» احمد محمود که مربوط به یکی از بنادر جنوبی کشور یعنی بندر لنگه در استان هرمزگان است، بحران انسانی‌ای مشاهده می‌شود که بر بهره‌برداری از محیط زیست تأثیر زیادی گذاشته و باعث شده است با مهاجرت بعضی از ساکنان این منطقه که نقش مهمی در بهره‌برداری از محیط زیست داشته‌اند، سطح معیشتی مردم کساد گردد و همچنین نمای بازار تغییر کند و کار و کاسبی و تجارت ساکنان این بندر نابود شود و از رونق بیفتد:

«هی روزگارا! ... چه به سر لنگه آوردی ... خوابش هم نمی‌دیدیم...! هی روزگارا!

چند لحظه سکوت می‌کند. نفس را تازه می‌کند و باز به حرف می‌آید.

-لنگه، لنگه نداشت! همی بود که اسمش گذاشته بودن لنگه. عروس بندرا بود. کار و کاسبی داشت. زندگی داشت. با همه دنیا تجارت می‌کرد. شب و روز لنجای دریائی به چه بزرگی که از افریقا میومدن. از زنگبار یا از هندسون پای همی اسکله که حالا خراب شده، روزها منتظر نوبت میموندن!... تو تمام ئی حجره‌هایی که حالا کنار دریا رو هم ریخته و خراب شده تاجرای معتبر تجارت می‌کردن. بازار غلغله‌ی روم بود. تنها تو بازار ماهی فروشا هزار رقم ماهی پیدا می‌شد...

چشم‌هایم را رو هم می‌گذارم. انگار عدنانی است که حرف می‌زند.

-لنگه چول شد. کشف حجاب که شد، لنگه چول شد! مردم، شبانه دست زن و بچه‌هاشونو گرفتن و زدن به دریا. رفتن قطر، شارجه... دویی...

چشمانم را باز می‌کنم و سر برمی‌گردانم و به پیرمرد نگاه می‌کنم که تکیه داده است و مژه‌هایش را روهم گذاشته است. پوست صورت پیرمرد به مشک قهوه‌ای چروک‌خورده‌ای می‌ماند که سال‌ها زیر آفتاب داغ افتاده باشد. عرق چین سفیدی به سر دارد.» (محمود، ۱۳۸۲: ۳۹۲-۳۹۱)

اگر ما به این مورد دقت کنیم، علت مهاجرت مردم، بی‌رونق شدن بازار، تغییر نمای بازار که حالا با حجره‌های خراب شده و روهم ریخته تصویر می‌شود و نوعی آلودگی بصری را القا می‌کند که می‌تواند «در دراز مدت انسان را دچار پریشانی ذهنی و بیماری روحی کند» (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۲) ریشه در گفتمان کشف حجابی دارد که باعث اختلالاتی در خود بوم‌شناختی شخصیت‌ها شده و دگرگونی‌های را در افراد و جامعه‌ی زیستی آنان رقم زده است. در واقع یکی از پیامدهای گفتمان کشف حجاب در این رمان عدم گسترش خود بوم‌شناختی شخصیت‌هاست؛ زیرا «خود تحقیقی بوم‌شناختی به این معناست که مردم تجربه خود را نه فقط در رابطه با دیگران، بلکه در رابطه با حیوانات، مناطق زیستی و حتی محیط زیست طبیعی به عنوان یک کل گسترش دهند» (ساتون، ۱۳۹۳: ۹۰)؛ در حالی که ما چنین گسترشی را در این رمان نمی‌بینیم؛ زیرا کنش‌هایی که در این افراد و تغییراتی که در محیط پیرامون آنان شکل می‌گیرد که در بالا نیز ذکر گردید ریشه در جهان‌بینی اکولوژیکی‌شان ندارد؛ بلکه از محیط بیرون بر آنان تحمیل شده است. در واقع می‌توان گفت گفتمان کشف حجاب که در آن گونه و فرد، در این جا یعنی زنان محل نزاع استراتژی‌های سیاسی است، تأثیرات نامطلوبی بر ساختار شخصیتی و هویت اکولوژیکی شخصیت‌ها بر جای گذاشته و نابسامانی‌هایی را در نوع بهره‌برداری از محیط زیست طبیعی ایجاد کرده؛ نابسامانی‌هایی که زندگی فردی و جمعی آنان را دچار اختلالاتی کرده است. در کل «تکنولوژی فردیت‌ساز قدرت» در رمان «داستان یک شهر» با هدف قرار دادن زنان آنان را وسیله‌ای برای نزاع استراتژی‌های سیاسی جامعه چیزی که فوکو آن را «آستانه مدرنیته زیست‌شناختی» می‌نامد، قرار می‌دهد. آستانه مدرنیته‌ای که از پیامدهای آن اختلال در محیط زیست طبیعی و انسانی بود. در این جاست که ما با مهاجرت افراد در اثر کشف حجاب می‌بینیم «بدن با بدل شدن به آماج سازوکارهای نوین قدرت در معرض شکل‌های نوین دانش قرار می‌گیرد... و در تمرینی که به آن تحمیل می‌شود و در مقاومتی که در برابر این تمرین از خود نشان می‌دهد، هم‌پیوستگی‌های اساسی‌اش را آشکار می‌کند و به صورت خودجوش آنچه را با بدن ناسازگار است، پس می‌زند.» (فوکو، ۱۳۷۸: ۱۹۴) در کل مفهوم خود یا سوژه در رمان «داستان یک شهر» در پیوند با امر سیاسی و مراقبت و تنبیه و در واقع قدرتی که بر بدن سوژه اعمال می‌گردد، شناخته می‌شود. قدرتی که «خود» این زنان را می‌خواست برسازد و از آن‌جا که خود برساخته‌ی سیاسی در تضاد با خود درونی آنان بود، نابسامانی‌ای نه تنها در افراد، بلکه در محیط زیستشان نیز رقم زد. در کل مهاجرت افراد

در این رمان نشان از این دارد که این افراد قدرتی را که در آن بدن تحت انضباط ناشی از قدرت سیاسی و نظارت مستمر همان‌طور که فوکو آن را رهاورد عصر مدرن می‌داند: «در عصر مدرن بدن‌ها نه تنها از خود بیگانه می‌شوند، بلکه تحت انضباط ناشی از تنبیه قدرت سیاسی و نظارت مستمر قرار دارند.» (فوکو، ۱۳۸۸: ۷۳)، پذیرفته‌اند؛ زیرا چنین استراتژی‌ای از خود بیگانگی بدن‌ها را رقم می‌زند و آنان را از هویت اکولوژیکی-شان دور و از بساختن خود توسط خود و دیگری یا راه‌های متفاوت محروم می‌دارد. این افراد با مهاجرت خود ریشه‌ی برساخته شدن از بیرون را در درون خود نابود کردند و فراتر از شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه‌اشان رفتند که این خود نشان از این دارد که این افراد به بازسازی از درون خویش تمایل دارند نه بیرون. مقوله‌ای که فوکو نیز سعی می‌کند آن را در آثارش نشان دهد؛ یعنی چگونگی برساخته شدن سوژه و بدنش توسط قدرت و محرومیت از بساختن خود بر اساس راه‌های متفاوت. چیزی که یونگ نیز بر آن تأکید می‌کند: «در این مسیر است که سوژه به سوی بردگی جسمی و روحی می‌رود و فقط سوژه‌ای می‌تواند مقاومت کند که در خویشتن خویش متشکل، مانا و پایدار باشد و بتواند با ترویج روحیه انتقادپذیری در خود، سنگ بنای هر گونه تلاش برای برساخته شدن از بیرون را نابود کند و خویشتن را از درون بازسازی کند و برای شناخت خود از شرایط اجتماعی فراتر رود.» (یونگ، ۱۳۹۱: ۸۵)

گفتمان کشف حجاب در این رمان خود یکی از شاخه‌های کلان گفتمانی مدرنیسم محسوب می‌شود. در جریان‌های فرهنگی ایران از جمله روشنفکری، دفاع از حقوق زن، چپ و ملی‌گرا یکی از ارکان مدرنیسم، پیاده‌سازی الگوی زن غربی دانسته شده است. الگویی که برای اجرای آن باید مانع حجاب از سر راه برداشته شود. به همین دلیل «این جریان‌ها بعد از سال‌ها مبارزه با حجاب با پیوستن به کانون بانوان که توسط حکومت رضاشاه برای کمک به کشف حجاب ایجاد شده بود، توانستند زمینه را برای اعلام رسمی کشف حجاب در ایران در ۱۷ دی ۱۳۱۴ ش مهیا نمایند.» (پورحسن درزی، ۱۳۹۹: ۸۳) گفتمان کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ و پیامدهای ناشی از آن که در دهه سی در رمان «داستان یک شهر» احمد محمود نمودار است، چون با اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی و همچنین هنجارهای اجتماعی جامعه‌ی بندر لنگه تداخل داشت، باعث مهاجرت مردمان این ناحیه گردید. گفتمان کشف حجاب در جامعه ایران چون پذیرش عمومی نیافته بود، دیگر یک جریان فرهنگی محسوب نمی‌شد؛ چون «جریان فرهنگی منظومه نسبتاً منسجمی از باورها، ارزش‌ها، عقاید، سبک‌های زندگی، هنر، دانش‌ها و اندیشه‌هایی است که پذیرش عمومی می‌یابند و به نیروی اجتماعی-سیاسی مبدل می‌شوند.» (بیگدلو، ۱۳۹۶: ۱۰) از این‌روست که باعث بروز مشکلاتی در جامعه ایران می‌گردد. مسأله کشف حجاب یکی از اقدامات رضاشاه بود که می‌خواست به سبک غربی از سنت به مدرنیته گذر کند که

مخالفان و موافقانی در جامعه‌ی ایران داشته است. همان‌طور که ما با مروری بر آثار ادبی خود نیز به این مقوله پی می‌بریم. شاعرانی مانند میرزاده‌ی عشقی، عارف قزوینی، ایرج میرزا و محمدتقی بهار با کشف حجاب موافق بودند و شاعرانی مانند نسیم شمال و امیری فیروزکوهی مخالف. البته بحث ما تأثیر گفتمان کشف حجاب بر محیط زیست در بندر لنگه و ایجاد نابسامانی در این بندر و مهاجرت افراد و تجاری که نقش مهمی در رونق بندر دارند، است. در واقع جامعه‌ی مورد بررسی ما در این پژوهش بندر لنگه بر اساس توصیفات رمان «داستان یک شهر» احمد محمود است و ما می‌خواهیم به ریشه‌یابی این مسأله در این جامعه به عنوان نمونه‌ای از خروار بپردازیم تا به علت بحران انسانی و تأثیر آن بر بهره‌برداری از محیط زیست پرداخته و نشان دهیم که جامعه‌ای چگونه بر اثر تحمیل قانون نادرست دچار ویرانی می‌شود. تنها سؤال مهمی که اینجا پیش می‌آید این است که چرا بندر لنگه با کشف حجاب ویران شد؟ زیرا حکومت رضاشاهی از طریق اعمال الگوی زن غربی می‌خواست «بدن‌های دست‌آموزی» خلق کند که به خیال خود آن را لازمه‌ی توسعه و مدرنیته کردن جامعه می‌دانست. حکومت از طریق قدرت به واسطه‌ی الگوی زن غربی می‌خواست به درون سوژه‌ها و شکل‌های زندگی آنان نفوذ کند که با مقاومت آنان روبه‌رو شد. در واقع در این جا سیاست است که در مورد جنسیت و بدن انسان‌ها و در کل طبیعت آنان تصمیم می‌گیرد. زن دوره‌ی حکومت رضاشاهی به عنوان یک گونه و فرد محل نزاع استراتژی‌های سیاسی جامعه بوده است. چیزی که فوکو آن را در «آستانه‌ی مدرنیته‌ی زیست‌شناختی» می‌نامد. استراتژی‌های سیاسی حکومت رضاشاهی با قانون تجددخواهی که در تقابل با عقاید و باورهای مردم بوده، پیشرفت زنان و علم‌آموزی آنان و حضور در سطح جامعه را در کشف حجاب می‌دانسته. در واقع قانون تجددخواهی در جامعه‌ای اعمال می‌شد که به گفته‌ی یکی از شخصیت‌های داستان، احمد سرباز، حتی یک مدرسه‌ی درست و حسابی هم نداشت:

«حتی یک مدرسه‌ی درست و حسابی ام ندارین که...»

صدای گیلان بلند می‌شود:

-خوبه خوبه!... احمد سربازم برام آدم شده!

صدای احمد سرباز باز پست می‌شود:

-میتونی بگی که از سه - چار هزار نفر جمعیت لنگه چندتا شون باسواده؟... میتونی بگی که...»

حاج روستا که تازه سر رسیده است و پشت سر احمد سرباز ایستاده است به حرف می‌آید. صدای حاج روستا خفه و پست است.

-سواد که برا مردم نون و آب نمیشه!» (همان: ۲۰۵)

کشف حجاب در رمان «داستان یک شهر» که وقایع آن مربوط به دهه سی است، تأثیری بر پیشرفت زنان و علم‌آموزی زنان در بندر لنگه به عنوان نمونه جامعه‌ای که مورد بحث ما در این پژوهش است و نمونه‌ای از خروار محسوب می‌شود، نداشته است؛ چون اوضاع جامعه‌ای که زنان بندر لنگه در آن زندگی می‌کنند، چنین چیزی را تصدیق نمی‌کند. در واقع حجاب، علم‌آموزی و پیشرفت زنان و حضور آنان در جامعه مقولاتی جدا از هم هستند که ربط نادرست آن‌ها به هم و تحمیل آن بر مردمی که مطابق عقاید و باورداشت‌های آنان نیست، معضلاتی چون معضلات حاکم بر بندر لنگه را رقم می‌زند که ما نمونه‌های آن را در فساد زنان و مردان در جاهای زیادی از این رمان می‌بینیم. همان‌طور که در صفحه ۲۵ این رمان بعد از آمدن شریفه به بندر لنگه می‌بینیم، بلافاصله از نابسامانی و مهاجرت افراد این بندر به دلیل کشف حجاب از زبان یکی از شخصیت‌های این داستان علی دادی که دارد با خالد صحبت می‌کند، سخن گفته می‌شود:

«شنیده بودم که گروهبان ره‌ایش (شریفه) کرده است تو بندر لنگه و رفته است. شنیده بودم که یکی از اتاق‌های خانه‌های نیمه مخروبه را تمیز کرده است و آب و جارو کرده است و جل و پلاسش را پهن کرده است. لنگه چول شد. کشف حجاب که شد همه زدن به دریا. دست زن و بچه‌هاشونو گرفتن و رفتن قطر، دویی، شارجه... کار و بار و خونه و زندگیشونو رها کردن و زدن به دریا» (محمود، ۱۳۸۲: ۲۵)

همان‌طور که در این دو مثال از داستان یک شهر احمد محمود نیز ذکر شد، بندر لنگه قبلاً عروس بندرها بوده و کار و کاسبی داشته است؛ اما امروزه چنین نیست و قاچاق در آن زیاد شده و مردم کار و کاسبی ندارند:

«ئی روزا چقد قاچاق زیاد شده

حسن کگو می‌گوید:

خو اگه مردم قاچاق نکنن، چه کنن؟!... کار و کاسبی که نیست. زراعتم که نیست.» (محمود، ۱۳۸۲: ۳۹۱)

چرا چنین اتفاقی افتاده است و مردم کار و کاسبی ندارند؟ چون از یک جهت با کشف حجاب، مردم مهاجرت کرده‌اند و دیگر تاجران معتبر در آنجا تجارت نمی‌کنند و بازاری که غلغله‌ی روم بوده (بسیار شلوغ بوده) با مغازه‌های ماهی‌فروشی که در آن انواع گوناگون ماهی پیدا می‌شده به خرابه‌ای تبدیل شده است. بنابراین هر محیطی با خصوصیات اقلیمی خاص، در ایجاد شغل و کسب و کار برای آن اهالی نقش بسزایی دارد. در این داستان کار و کاسبی اصلی مردم از طریق دریاست تا کشاورزی و ... که این هم می‌تواند به تأثیرپذیری از عناصر زیست‌محیطی یک منطقه و هم آب‌وهوای آن باشد. همان‌طور که در رمان نیز ذکر می‌شود، لنگه فقط دو فصل دارد:

«لنگه تنها دو فصل دارد. یک فصل گرم که پائیز است و یک فصل گرم‌تر که تابستان است. تابستان‌های لنگه از نیمه‌های اسفند شروع می‌شود و پائیز لنگه از نیمه‌های آبان شروع می‌شود. لنگه فصل‌های خودش را دارد. پائیز لنگه با پائیز دشت‌های سرسبز و خنک و با پائیز دامنه‌ی کوهساران، هیچ وجه مشترکی ندارد.» (همان: ۴۵۳)

از آن‌جا که «مکان تعیین‌کننده نحوه کار و نحوه کار به وجود آورنده مبنای یک ملت است» (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۱۳۵) می‌توان گفت دریا تعیین‌کننده نحوه کار افراد جامعه داستانی ما در رمان «داستان یک شهر» است و نقش مهمی در زندگی اهالی این بندر دارد که در جای‌جای این داستان نمودار است:

«همه‌ی جاشوها به گوشم می‌نشینند. سر شب که هوا صاف باشد با لنج‌ها می‌زنند به دریا و هنوز فلق ندیده است که با ماهی‌های صید شده بازمی‌گردند. ماهی سرخو، سنگسر، کلاغ‌ماهی، ماهی گباب، شوریده و ...» (همان: ۲۹)

دریایی که به وسیله‌ی غیربومیان دچار آسیب شده است:

«نور چراغ‌های رنگ‌به‌رنگ کشتی کوچکی که رو دریا می‌لغزد، تو تاریکی‌های دوردست نشسته است. حرکت کشتی کند است. باید از بارکش‌هایی باشد که بین امارات خلیج فارس رفت و آمد می‌کنند. شاید هم از کشتی‌های ماهیگیری غریبه‌هاست که گاه‌به‌گاه راه می‌افتند و می‌آیند و لیغ (تور ماهیگیری) ماهیگیران خودی را پاره می‌کنند و تور می‌اندازند و سردخانه‌هاشان را مملو می‌کنند و کسی هم به کارشان کاری ندارد.»

صدای نکره‌ی لال محمد تو گوشم است.

-از بحرین.. شارچه... چه میدونم از عمان... راه میفتن و میان صید میکنن... دریا بزرگه... ما که بخیل نیستیم. صید بکنن؛ اما چرا دیگه لیغ ما را پاره می کنن؟ هیچکس م حریفشون نمیشه. اصلاً کسی نیست که حریفشون بشه یا نشه!» (همان: ۸۳)

در واقع با کشف حجاب و در پی آن رفتن تاجران معتبر و ماهیگیران است که بندر لنگه دچار نابسامانی می شود. در این جاست که ما نمود ظلم غیربومیان به مردمان بومی بندر لنگه و این که کسی نیست که جلو ظلم آنان را بگیرد و در یک جمله بی تدبیری دولت در حمایت از ماهیگیران بومی را به وضوح می بینیم، بی تدبیری ای که در وضع معیشتی مردم تأثیر می گذارد و باعث گرانی می شود:

«از وقتی که ثی سرحدیا (غیر بومی ها) اومدن لنگه ماهی کیلو دو قینی (قران، ریال) شده پونزده قینی. خدا ذلیلشون کنه که قوتمونو گرون کردن.» (همان: ۶۴)

در کل در این رمان می بینیم که بهره برداری از محیط زیست در اثر اعمال گفتمان کشف حجاب که در تقابل با گفتمان حاکم بر جامعه اسلامی - ایرانی بوده، باعث ایجاد معضلاتی شده و تأثیر خود را در تمام سطوح زندگی مردم بر جای گذاشته است؛ زیرا تقابل دو گفتمان قاعدتاً باعث اعمال قدرت های متضادی نیز می شود که پیامدهای مخرب آن را نیز به دنبال دارد. در واقع می توان ریشه ی بحران های زیست محیطی و انسانی را در رمان «داستان یک شهر» تقابل گفتمانی ای دانست که ناسازگاری این افراد را با محیط پیرامونشان رقم زده و بر نوع بهره برداری از زیست بوم طبیعی شان تأثیرات نامطلوبی بر جای گذاشته و تاب آوری جامعه ی تصویر شده در این رمان را کاهش داده و زندگی زیستی و انسانی آنان را به مخاطره افکنده است. بنابراین می توان گفتمان کشف حجاب در رمان «داستان یک شهر» را به عنوان هستی ساختاریافته در نقطه ی خاصی از تاریخ و بخشی از فرآیند توسعه ی ناپایدار دانست؛ زیرا توسعه که ما نمود آن را در این رمان در گذر از سنت به مدرنیته و پیشرفت زنان در زمینه ی «الگوی زن غربی» توسط رضاخان می بینیم، بدون توجه به مقوله ی پایداری و تاب آوری این منطقه اعمال شده است؛ زیرا اصطلاح "پایداری" که در کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ در برونتلند با عنوان "آینده ی مشترک ما" مطرح شد، پایداری را «به عنوان توسعه ای که نیازهای زمان حال را برآورده می کند، بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آینده برای برآوردن نیازهای خود تعریف می شود.» (4: 2017, Gaard) در صورتی که در رمان «داستان یک شهر» چنین توسعه ای که نیازهای حال افراد جامعه ی داستانی ما را برآورده کرده باشد، نمودی ندارد؛ بلکه گفتمان مخرب حضور دارد که با اعمال قدرت علاوه بر به مخاطره انداختن زیست بوم طبیعی آنان که در صید بی رویه ی ماهی توسط

غیربومیان و آوار شدن مغازه‌های ماهی‌فروشی و در پی آن گران شده ماهی و... نمودار است، زندگی انسانی آنان را نیز به نابودی کشانده است.



نمودار تأثیرات کشف حجاب بر محیط زیست طبیعی، مصنوعی و اجتماعی در رمان «داستان یک شهر» احمد محمود

همان‌طور که این نمودار نشان می‌دهد، گفتمان کشف حجاب چون در تقابل با گفتمان ایرانی-اسلامی قرار گرفته است، باعث ایجاد تغییرات نامطلوبی در محیط زیست طبیعی، مصنوعی و اجتماعی بندر لنگه از استان هرمزگان شده است. مهم‌ترین پیامد گفتمان کشف حجاب در این رمان در تغییر در نوع بهره‌برداری از محیط طبیعی نمودار می‌شود که بالطبع بر محیط زیست مصنوعی و خصوصاً اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارد. البته این سه محیط ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. مثلاً با مهاجرت مردم لنگه به دلیل کشف حجاب که می‌توان گفت نقش مهمی در تجارت با دنیا داشته‌اند، دیگر تاجران معتبر به این منطقه نمی‌آیند و به همین دلیل است که نمای بازار تغییر می‌کند و مغازه‌های ماهی‌فروشی و مغازه‌هایی که همین تاجران معتبر در آن به تجارت می‌پرداخته‌اند به خرابه‌هایی روهم ریخته در کنار دریا تبدیل می‌شود. این شرایط نامطلوب محیط زیست

طبیعی به تأثیرپذیری از کشف حجاب قاعدتاً شرایط نامطلوب اجتماعی را نیز ایجاد می‌کند و همین شرایط نامطلوب اجتماعی است که باعث می‌شود ماهیگیران غیربومی جرئت کنند به بندر لنگه بیایند و با پاره کردن تور ماهیگیران بومی سردخانه‌هایشان را مملو از ماهی کنند و بروند و کسی هم نباشد که جلو آن‌ها را بگیرد؛ زیرا اکثر افراد این جامعه که در رمان «داستان یک شهر» توصیف می‌شود از پاسگاه گرفته تا مردم عادی به عرق خوری و کشیدن تریاک روی آورده‌اند و غیرت و مردی خود را از دست داده‌اند. در این جاست که می‌بینیم، فساد بین آنان زیاد می‌شود و به قاچاق روی می‌آورند. همان‌طور که از زبان یکی از شخصیت‌های داستان، خورشیدکلاه با این‌که خود نیز دچار این فساد شده است، گفته می‌شود:

«تریاک آدمو بی‌عاری می‌کنه... یعنی که از مردی می‌ندازه...»

... نه که از مردی می‌ندازه، نه!... یعنی که بی‌غیرت می‌کنه. اینو می‌خواستیم بگم.» (همان: ۳۴۵)

بنابراین دولت رضاشاهی با «تکنیک‌های سیاسی» در راستای اعمال الگوی زن غربی از جمله برداشتن اجباری حجاب زنان بدون بررسی «تکنولوژی‌های نفس» که برگرفته از جامعه‌ی سنتی ایرانی - اسلامی بود، باعث «سوژه‌شدگی» و «شی‌شدگی» نه تنها زنان بلکه دیگر اقشار جامعه نیز گردید و عواقبی به بار آورد که ما تأثیرات آن را بر سایر ارکان جامعه و محیط طبیعی در رمان «داستان یک شهر» احمد محمود می‌بینیم که علت چنین عواقبی ریشه در گفتمانی دارد که اعمال قدرت آن در راستای «کردارهای سامان‌بخش خود» نبوده؛ زیرا «سوبژکتیویته با ارتقا، پرورش و بارور کردن است که بسامان می‌شود نه سرکوب و تنها در این صورت است که می‌توان سازوکارهای مجزایی را که فرایند به وسیله‌ی آن عمل می‌کند، کردارهای سامان‌بخش خود نامید.» (رک میلر، ۱۳۸۴: ۱۰) بنابراین «تکنیک‌های سیاسی» ای کارآمد است که با بررسی «تکنولوژی‌های نفس» یک جامعه راهی برای ادغام و نهادینه‌سازی الگوی مورد نظر در بستر فرهنگی آن جامعه بیابند نه با اجبار مثلاً در مقوله‌ی حجاب یا بی‌حجابی و موارد دیگر باعث شکل‌گیری مقاومت‌هایی در افراد جامعه گردند و قدرت‌های متضاد و در تقابل هم شکل دهند که هر یک در تلاش برای بقای خود باعث ناامنی در جامعه گردیده و تزلزل بنیان‌های یک جامعه را در زیرساخت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و محیط طبیعی و مصنوعی آن رقم زنند.

۵. نتیجه‌گیری

سیاست‌های دوره‌ی پهلوی اول به تأثیرپذیری از گفتمان الگوی زن غربی با ایجاد نابسامانی تأثیرات نامطلوبی را بر محیط زیست طبیعی، مصنوعی و اجتماعی ایران بر جای گذاشت که ما نمود آن را در رمان سیاسی «داستان یک شهر» احمد محمود که نمایی از زندگی مردمان یکی از بنادر جنوب در استان هرمزگان در دهه‌ی سی و چهل را به تصویر می‌کشد، به وضوح می‌بینیم. در این رمان تأثیرپذیری از گفتمان الگوی زن غربی و اعمال آن در جامعه‌ی ایرانی - اسلامی باعث دگرگونی‌هایی در جامعه از جمله تغییر در نوع بهره‌برداری از دریا: تجارت نکردن تاجران معتبر و حضور ماهیگیران غیربومی و پاره کردن تور ماهیگیران بومی و پر کردن سردخانه‌هایشان از ماهی، آلودگی تصویری: تغییر نمای بازار، فساد زنان و مردان، مهاجرت افراد، تأثیر گذاشتن بر تجارت با دنیا و روی آوردن به قاچاق گردید. تأثیرات مواجهه‌ی مردم بندر لنگه با فرآیند بهنجارسازی شده در فرهنگ غربی یعنی الگوی زن غربی نشان داد که در جامعه‌ی ایران زنان به سوژه‌هایی تبدیل شده‌اند که قدرت‌ها می‌خواسته‌اند آنان را از طریق کاربرد ابزارهای عقلانی شده در زمینه‌ی «الگوی زن غربی» با گذر از سنت به مدرنیته بهنجار سازند. تفاوت مردمانی از بندر لنگه در رمان «داستان یک شهر» که بعد از کشف حجاب در این بندر نماندند با مردمان دیگر در این است که آنان تعریف به اصطلاح بهنجارسازی شده توسط قدرت‌ها را نپذیرفته‌اند که این را می‌توان نوعی مقاومت در برابر پذیرفتن شکل بهنجار «الگوی زن غربی» که از سوی ساختارهای قدرت تعریف می‌شده، دانست. مقاومتی که شکلی از مبارزه است و متفاوت بودن آن‌ها را نشان می‌دهد؛ زیرا آنان به انقیاد از سوژه‌ی منقادسازی شده یعنی کشف حجاب تن ندادند که خود نشان از نوعی مبارزه علیه استعمار و سلطه است.

بنابراین از آنجا که هر مکان تعیین‌کننده‌ی نحوه‌ی کار و نحوه‌ی کار به وجود آورنده‌ی مبنای یک ملت است و هر محیطی با خصوصیات اقلیمی خاصی که دارد در ایجاد شغل و کسب و کار برای اهالی آن نقش بسزایی دارد و دریا چنین نقش مهمی را در تداوم جامعه‌ی به تصویر کشیده در رمان «داستان یک شهر» دارد، ما با بررسی پیوند میان جامعه و طبیعت در این رمان که به دلیل گفتمان کشف حجاب که توسط حکومت اعمال می‌شده و تحت تأثیر قرار گرفته و باعث نابسامانی‌هایی در محیط زیست انسانی و طبیعی گردیده است، به این مقوله‌ی مهم دست می‌یابیم که محیط زیست و انسان رابطه‌ای دوسویه با هم دارند که گفتمان‌های هر عصر در نوع این رابطه تأثیر بسزایی دارند. در کل محیط زندگی انسان متشکل از مجموعه‌ای از عناصر طبیعی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و محیط‌های مصنوع (محیط‌های ساخته شده به دست انسان) و ... است که نوع ارتباط و عملکرد این عوامل نقش مؤثری در تداوم جوامع دارد که با بررسی ارتباط این عوامل در رمان «داستان یک شهر» احمد محمود پی می‌بریم که این عوامل در توازن با ساکنین بندر لنگه نیست. مثلاً دریا

یکی از عناصر طبیعی جامعه به تصویر کشیده بندر لنگه در این رمان است که در زندگی و وضع معیشتی مردم این بندر نقشی اساسی دارد. دریایی که نمای بازار این بندر را شکل داده است. بازاری که دارای حجره‌های ماهی‌فروشی است و تاجرینی در آن به داد و ستد می‌پردازند؛ اما این بازار اکنون به واسطه اعمال قدرت حکومت در قالب کشف حجاب که در تضاد با فرهنگ و اعتقادات ساکنین این بازار بوده باعث ویرانی آن شده است؛ ویرانی‌ای که ما نمود آن را در تمام اجزای رمان به وضوح می‌بینیم؛ زیرا بازار که مرکز داد و ستد و یکی از ارکان مهم این بندر محسوب می‌شده و تأثیرات زیادی بر سطوح اقتصادی، اجتماعی و وضع معیشتی مردم و همچنین توسعه پایدار این بندر برجای می‌گذاشته، به ویرانه‌ای تبدیل شده است. بنابراین برای تداوم جوامع و رسیدن به توسعه پایدار تطابق در تمام ساخت‌های جامعه ضروری است؛ زیرا آن‌ها به شکلی زنجیروار در ارتباط تنگاتنگی با هم قرار دارند. بنابراین واکاوی تکنولوژی سیاسی جامعه که در داستان یک شهر با گفتمان کشف حجاب نمود می‌یابد، ضرور می‌نماید؛ زیرا گفتمان کشف حجاب که نوعی «تکنولوژی فردیت‌ساز قدرت» محسوب می‌شود، در رمان «داستان یک شهر» زنان را هدف قرار داده است و پیامدهای مخربی بر محیط زیست طبیعی و انسانی برجای گذاشته است. از این روست که بررسی پیامدهای قدرت و «تکنولوژی نفس» یک جامعه ضرور می‌نماید؛ زیرا ما با بررسی پیامدهای قدرت و «تکنولوژی نفس» جامعه در رمان «داستان یک شهر» است که پی می‌بریم، قدرت با اعمال زور می‌خواسته «خود» زنان را برسازد، خود بر ساخته‌ای که در تضاد با خود درونی آنان است. به همین دلیل است که ما شاهد نابسامانی‌ای نه تنها در افراد، بلکه در محیط زیست جامعه داستانی رمان «داستان یک شهر» هستیم. در کل مهاجرت افراد در این رمان نشان از این دارد که این افراد قدرتی را که در آن بدن تحت انضباط ناشی از قدرت سیاسی و نظارت مستمر قرار می‌گیرد، نپذیرفته‌اند؛ زیرا چنین استراتژی‌ای از خود بیگانگی بدن‌ها و محروم کردن آنان را از بساختن خود توسط خود و دیگری یا راه‌های متفاوت رقم می‌زند و علاوه بر آن تأثیرات مخربی را بر محیط زیست طبیعی و انسانی آنان بر جای می‌گذارد.

منابع

الف) کتاب‌ها

- آبراهامیان، یراوند (۱۳۷۸)، ایران بین انقلاب (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری، محسن مدیر شانه‌چی، چاپ دوم، تهران: مرکز.

- آپلرث، اسکات؛ دسفور ادلز، لورا (۱۳۸۶) نظریه جامعه‌شناختی کلاسیک و معاصر: متن و خوانش، مطبوعات پایین فورج.
- آشتیانی، منوچهر (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی شناخت: مقدمات و کلیات، تهران: قطره.
- بری، اسمارت (۱۳۸۵)، میشل فوکو، مترجمان: لیلا جوافشانی، حسن چاوشیان، تهران: اختران.
- بیگدلو، رضا (۱۳۹۶)، جریان فرهنگی ایران معاصر (۱۳۵۷، ۱۳۴۰)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پوینده، محمدجعفر (۱۳۷۷)، درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات (مجموعه مقالات: گزیده و ترجمه)، تهران: نقش جهان.
- چسنگو، د (۱۳۵۶)، جامعه و طبیعت (علم، فرهنگ و زبان)، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران: شباهنگ.
- دریفوس، هیوبرت؛ رایینو، پل (۱۳۷۹)، میشل فوکو فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک با مؤخره‌ای به قلم میشل فوکو، ترجمه حسین بشیریه، چاپ دوم، تهران: نی.
- ساتون، فیلیپ دبلیو (۱۳۹۳)، درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست، ترجمه‌ی صادق صالحی، تهران: سمت، چاپ دوم.
- شاور، لوئیس (۱۳۸۴)، دیکشنری برای مطالعه آثار میشل فوکو، کالیفرنیا.
- فرهادپور، مراد؛ امید مهرگان؛ صالح نجفی (۱۳۹۲)، قانون و خشونت (گزیده مقالات)، چاپ سوم، تهران: رخ داد نو.
- فوکو، میشل (۱۳۹۲)، مراقبت و تنبیه (تولد زندان)، ترجمه نیکو سرخوش، افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- _____ (۱۳۸۷ الف)، دانش و قدرت، ترجمه محمد ضیمران، چاپ چهارم، تهران: هرمس.
- _____ (۱۳۸۷ ب)، نیچه، تبارشناسی، تاریخ، در متن‌های برگزیده از مدرنیسم تا پست-مدرنیسم، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- _____ (۱۳۸۸)، پیدایش کلینیک، دیرینه‌شناسی ادراک پزشکی، ترجمه یحیی امامی، تهران: نقش و نگار.

- _____ (۱۳۸۰)، دیرینه‌شناسی دانش، لندن: انتشارات روتلج.
- _____ (۱۳۸۹)، تئاتر فلسفه: گزیده‌ای از درس گفتارها، کوتاه‌نوشت‌ها، گفت‌وگوها و... میشل فوکو، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- _____ (۱۳۹۰ الف)، اراده به دانستن، ترجمه نیکو سرخوش، افشین جهان‌دیده، تهران: نی، چاپ ششم.
- _____ (۱۳۹۰ ب)، باید از جامعه دفاع کرد: درس گفتارهای کلژ دوفرانس ۱۹۷۵-۱۹۷۶، ترجمه رضا نجف‌زاده، تهران: رخ‌داد نو.
- فوکو، میشل (۱۳۶۶)، تکنولوژی نفس، سمیناری با میشل فوکو، جلد ۱۸، ویرایش لوتر اچ مارتین، هاک گاتمن، پاترک اچ هاتون، انتشارات تاویستوک.
- کچویان، حسین (۱۳۸۲)، فوکو و دیرینه‌شناسی دانش، تهران: دانشگاه تهران.
- گارد، گرتا (۱۳۹۵)، اکوفمینیسم انتقادی، انتشارات لکسینگتون.
- گلاتفلتی، چریل و فروم، هارولد (۱۳۷۳)، خواننده‌ی بوم‌گرا: نقاط عطفی در بوم‌شناسی ادبی، لندن: انتشارات دانشگاه جورجیا.
- مدرسی، فاطمه (۱۳۹۰)، فرهنگ توصیفی نقد و نظریه‌های ادبی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمود، احمد (۱۳۸۲)، داستان یک شهر، تهران: معین، چاپ ششم.
- میلر، پیتر (۱۳۸۴)، سوژه، استیلا و قدرت، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- میلز، سارا (۱۳۹۸)، میشل فوکو، ترجمه مرتضی نوری، تهران: مرکز، چاپ چهارم.
- یوسفی، حسین و همکاران (۱۳۹۶)، محیط زیست و سلامت انسان، تهران: تالاب.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۹۱)، خود ناشناخته فرد در جامعه امروزی، ترجمه مهدی قائنی، تهران: جامی.

ب) مقالات

- آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۶)، «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، ادب پژوهی. شماره اول، بهار، صص ۱۷-۲۷.
- بهیان، شاپور (۱۳۸۹). «روش شناسی میشل فوکو». فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر. سال چهارم. شماره ۸، صص ۱-۲۲.
- پورحسن درزی، فاطمه (۱۳۹۹)، «جریان شناسی فرهنگی زنان فارغ التحصیل از مدارس دخترانه غربی در ایران دوران قاجار و پهلوی اول مؤثر در کشف حجاب»، فصلنامه علمی - تخصصی پژوهش در آموزش تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، دوره اول، شماره دوم، تابستان، صص ۸۳-۱۱۱.
- حیدری، فاطمه؛ مجتبی جعفری کاردگر (۱۴۰۱)، «بومی گرایی رئالیستی در اقلیم جنوب (مطالعه مورد پژوهانه: رمان «داستان یک شهر» احمد محمود)»، مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، بهار، شماره ۵۱، صص ۱۸۷-۱۵۶.
- کشاورز شگری، عباس؛ خلیل اللهی، شهلا؛ بختیاری، مرضیه (۱۳۹۴)، «بازنمایی هویت دینی در رمان های پس از انقلاب اسلامی؛ مطالعه موردی: رمان داستان یک شهر اثر احمد محمود»، مجله اندیشه سیاسی در اسلام، زمستان و بهار، شماره ۲ و ۳، صص ۱۲۰-۱۰۳.
- کچویان، حسین؛ زائری، قاسم (۱۳۹۰)، «تبیین گفتمانی تبدیل شدن زنان به موضوع سیاست گذاری های رسمی در دوره رضاخان با تأکید بر نظریه نزادی»، مجله زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۲، تابستان، صص ۷-۳۸.

ج) پایان نامه

- شایسته فرد، مرادعلی (۱۳۹۵)، گفتمان قدرت در رمان همسایه ها، داستان یک شهر و درخت انجیر معابد از احمد محمود بر اساس نظریه میشل فوکو، به راهنمایی ابراهیم استاجی، دانشگاه حکیم سبزواری.

References

Books:

- Abrahamian, Y (1999), Iran between revolutions (from the constitution to the Islamic revolution), translated by Kazem Firouzmand, Hassan Shamsavari, Mohsen Modir Shanehchi, second edition, Tehran: Center, (in Persian).
- Appelrouth, S; Desfor E. L(2008) Classical and contemporary sociological theory: text and readings, Pine Forge Press, an Imprint of Sage Publications, Inc.
- Ashtiani, M (2013), Sociology of cognition: Introductions and generalities, Tehran: Qatr, (in Persian).
- Berry, S (2006), Michel Foucault, translators: Leila Javafshani, Hassan Chavoshian, Tehran: Akhtaran, (in Persian).
- Bigdelo, R (2016), the cultural flow of contemporary Iran (2007, 2016), Tehran: Publishing Organization of Islamic Culture and Thought Research Institute, (in Persian).
- Chesenko, D (1977), society and nature (science, culture and language), translated by Mohammad Taghi Faramarzi, Tehran: Shabahang, (in Persian).
- Drifuss, H; Rabino, P (2000), Michel Foucault Beyond Constructivism and Hermeneutics with an Afterword by Michel Foucault, translated by Hossein Bashirieh, second edition, Tehran: Ney, (in Persian).
- Farhadpour, M; Mehrgan, O; Najafi, S (2013), law and violence (selection of articles), third edition, Tehran: Rokhdad No, (in Persian).
- Foucault, M (2012), Care and Punishment (The Birth of Prison), translated by Niko Sarkhosh, Afshin Jahandideh, Tehran: Ney, (in Persian).
- _____ (2008 A), knowledge and power, translated by Mohammad zeymaran, 4th edition, Tehran: Hermes, (in Persian).
- _____ (2008 B), Niche, genealogy, history, in selected texts from modernism to post-modernism, translated by Niko Sarkhosh and Afshin Jahandideh, Tehran: Ney, (in Persian).
- _____ (2008), the emergence of the clinic, paleontology of medical perception, translated by Yahya Emami, Tehran: Naqsh and Negar, (in Persian).
- _____ (2009), Philosophy Theater: selections from the lessons of speeches, short writings, dialogues and... Michel Foucault, translated by Niko Sarkhosh and Afshin Jahandideh, Tehran: Ney, (in Persian).
- _____ (2011 A), the will to know, translated by Niko Sarkhosh, Afshin Jahandideh, Tehran: Ney, 6th edition, (in Persian).

- _____ (2011 B), the society must be defended: the lectures of the College de France 1975-1976, translated by Reza Najafzadeh, Tehran: Rokhdad Now, (in Persian).
- _____ (2002), The archaeology of knowledge, London: routledge publications.
- _____ (1988). Technologies of the self. In Technologies of the self: A seminar with Michel Foucault (Vol. 18), Edited by Luther H. Martin, Huck Gutman, Patrick H. Hutton, Tavistock Publication.
- Gaard, G (2017), Critical Ecofeminism, Published by Lexington Books.
- Glotfelty, C and Fromm, H (1995), The Ecocriticism Reader/ Landmarks In Liteerary Ecology, London: The university of Georgia press.
- Kechouyan, H (2012), Foucault and Paleontology of Knowledge, Tehran: University of Tehran, (in Persian).
- Modarsi, F (2017), Descriptive Culture of Criticism and Literary Theories, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies, (in Persian).
- Mahmoud, A (2003), the story of a city, Tehran: Moin, 6th edition, (in Persian).
- Miller, P (2005), Subject, dominance and Power, translated by Niko Sarkhosh and Afshin Jahandideh, Tehran: Ney, (in Persian).
- Mills, S (2018), Michel Foucault, translated by Morteza Nouri, Tehran: Center, 4th edition, (in Persian).
- Pouyandeh, M (1998), an introduction to the sociology of literature (collection of articles: excerpts and translations), Tehran: Naqshe Jahan, (in Persian).
- Satton, P.W (2014), An Introduction to Environmental Sociology, translated by Sadegh Salehi, Tehran: Samt, second edition, (in Persian).
- Shawver, L (2006) Dictionary for the Study of the Works of Michel Foucault, <http://users.california.com/~rathbone/foucau10.htm> Page 10 of 10.
- Yousefi, H et al. (2016), Environment and Human Health, Tehran: Talab, (in Persian).
- yung, C (2012), the unknown self of the individual in today's society, translated by Mehdi Ghaeni, Tehran: Jami, (in Persian).

b) Articles

- Agha Golzadeh, F (2006), "Analysis of Critical Discourse and Literature", Literary Studies. No. 1, Spring, pp. 17-27, (in Persian).
- Behian, S (2010). "Methodology of Michel Foucault". Specialized Quarterly Journal of Social Sciences of Islamic Azad University - Shushtar branch. forth year. No. 8, pp. 1-22, (in Persian).
- Heydari, F; Jafari Kardegar. M (2022), "Realistic indigenism in the southern region (case study: the novel "The Story of a City" by Ahmad Mahmoud)",

Persian Language and Literature Tafsir and Analysis Magazine (Dehkoda), Spring, No. 51, pp. 187 – 156, (in Persian).

- Keshavarz Shukri, A; Khalilollahi, S; Bakhtiari, M (2014), "Representation of religious identity in novels after the Islamic revolution; Case study: the novel "The Story of a City" by Ahmad Mahmoud", Journal of Political Thought in Islam, Winter and Spring, No. 2 and 3, pp. 103-120, (in Persian).
- Kechuyan, H; Zairi, Qh (2017), "Discursive explanation of women becoming the subject of official policies during Reza Khan's era with an emphasis on racial theory", Women in Development and Politics Magazine (Women's Research), Volume 9, Number 2, Summer, pp. 7-38, (in Persian).
- Pourhasan Darzi, F (2019), "Cultural flow analysis of women who graduated from western girls' schools in Iran during the Qajar and Pahlavi eras, effective in discovering hijab", scientific-specialized quarterly research in history education, Farhangian University, 1st term, Second issue, summer, pp. 83-111, (in Persian).

c) Thesis

- Shayestefard, M (2015), discourse of power in the novel Neighbors, the story of a city and the fig tree by Ahmad Mahmoud based on the theory of Michel Foucault, under the guidance of Ebrahim Staji, Hakim Sabzevari University, (in Persian).